

## مقایسه هیجان خواهی و عملکرد خانواده در افراد مطلقه، در حین طلاق و عادی

حسین قمری گیوی<sup>۱</sup>

دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه محقق اردبیلی

بهنام خشنودیای چماچائی

کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

حیدر رفیعی

کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۱۴ دریافت مقاله: ۹۱/۹/۲۷

### چکیده

**هدف:** از آنجایی که خانواده پایه گذار بخش مهمی از سرنوشت انسان است و در تعیین سبک و خط مشی و عملکرد فرد در آینده نقش بزرگی دارد، پژوهش حاضر با هدف مقایسه هیجان خواهی و عملکرد خانواده در افراد مطلقه، در حین طلاق و عادی صورت گرفت.

**روش:** روش پژوهش علی-مقایسه ای بود. جامعه پژوهش افراد مطلقه و در حین طلاق و عادی ساکن استان تهران بودند. نمونه پژوهش ۴۵۱ نفر از افراد مطلقه و ۴۰۲ نفر در حین طلاق بودند که با استفاده از نمونه گیری طبقه‌ای نسبی با مراجعه به دادگاه های مختلف استان تهران انتخاب شدند. سپس ۵۰۰ نفر از افراد عادی، با استفاده از نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای جهت مقایسه با دو گروه همتا شدند. شرکت کنندگان به ابزارهای سنجش عملکرد خانواده مک مستر و هیجان خواهی آرنست پاسخ دادند. داده های گردآوری شده با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) و آزمون تعقیبی شفه مورد تحلیل قرار گرفت.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که هیجان خواهی و عملکرد خانواده در افراد مطلقه، در حین طلاق و عادی در تمامی ابعاد در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ تفاوت معناداری دارند. بدین معنا که افراد مطلقه و در حین طلاق نسبت به افراد عادی هیجان‌خواهی بیشتری داشتند. همچنین کارکرد خانواده در افراد مطلقه و در حین طلاق از افراد عادی مختل تر بود.

**نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که افراد مطلقه و در حین طلاق هیجان خواهی بیشتر و عملکرد خانواده پایین‌تری نسبت به افراد عادی دارند. لذا هیجان خواهی بعلت ایجاد شرایط تعارض در

<sup>۱</sup>. h\_ghamarigivi@yahoo.com

بین نظام اجرایی خانواده می‌تواند در افزایش خطر پذیری به سمت کسب لذت با تکالیف طبیعی زناشویی و خانواده تداخل نماید.

**کلیدواژه‌ها:** هیجان خواهی، عملکرد خانواده، طلاق، حین طلاق

## مقدمه

طلاق<sup>۱</sup> فرآیندی است که با تجربه‌ی بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد (گاتمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳؛ به نقل از یوسفی و سهرابی، ۱۳۹۰). اکثر کارشناسان طلاق را مهمترین و جدی ترین معضل اجتماعی نام می‌برند که می‌تواند پیامدهای ناگواری را با خود به همراه داشته باشد. در این شرایط تلاش برای به حداقل رساندن آسیب‌های اجتماعی طلاق تنها راه حل ممکن به نظر می‌رسد. طبق آمار گزارش شده در سال ۱۳۷۵ تعداد ۷/۸۹ مورد طلاق در مقابل هر صد ازدواج داشته ایم. این شاخص تا سال ۱۳۸۵ روند صعودی را طی کرده و به ۱۲/۰۹ درصد در این سال رسیده است (حصاری، ۱۳۸۷).

بسیاری از پژوهشگران حوزه‌های مختلف نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت در پی یافتن عواملی هستند که بر دوام خانواده و موفقیت رابطه زناشویی تاثیر می‌گذارند (غفوری، گل پرور و مهدی زادگان، ۱۳۸۸).

با دستیابی به ویژگی‌های شخصیتی شاید بتوان در حد قابل ملاحظه، مسیر زندگی خانوادگی یعنی تعامل شخصیت‌هایی را که باید در ارتباط مداوم با یکدیگر بار زندگی را بر دوش بکشند، ترمیم کرد. به نظر می‌رسد رضایت یا عدم رضایت اعضای خانواده و در وهله اول زن و شوهر را باید در مولفه‌هایی جستجو کرد که در استمرار خانواده نقش تعیین‌کننده دارند. در این چارچوب، هیجان خواهی<sup>۳</sup> موضوعی بسیار قابل ملاحظه است که آثار مشهود و نتایج غیر قابل انکاری بر روابط بین فردی دارد و می‌تواند گوشه‌ای از مسائل مربوط به روابط خانوادگی را در قالب روابط عاطفی بین دو فرد که پیمان زناشویی می‌بندند، روشن کند (محمی الدین بناب، ۱۳۷۵).

از آنجا که درجه‌ی هیجان خواهی در افراد بسیار متفاوت است به نظر می‌سد که نظام شناختی و عاطفی هر فرد قاعدتا بر پایه این خصیصه سازماندهی می‌شود پس در ارتباط با دیگری باید نوعی تناسب نیز ملحوظ باشد تا بتوان دو فرد را یعنی دو شخصیت را هم‌افق تصور کرد، در این صورت باید همبستگی مهمی بین میزان هیجان خواهی زنان و مردانی که پیمان زناشویی می‌بندند وجود داشته باشد تا هر دو بتوانند در یک گستره و یک مسیر حرکت کنند (کعبیاف، نشاط دوست و خالوئی، ۱۳۸۴). زاکرمن<sup>۴</sup>

1. divorce

2. Guttman

3. sensation-seeking

4. Zuckerman

(۱۹۹۷) هیجان خواهی را به عنوان صفتی تعریف کرده که ویژگی آن، جستجوی هیجان و تجربه متنوع، تازه، پیچیده و میل پرداختن به خطرهای بدنی، اجتماعی و مالی به خاطر خود این تجربه ها است (به نقل از شولتز<sup>۱</sup> و شولتز، ۲۰۰۵؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۰). حبیبی و رجیبی (۱۳۹۰) در پژوهشی به مقایسه هیجان خواهی و نگرش های مذهبی در مردان مطلقه و متأهل شهر اردبیل پرداختند. یافته های پژوهش آنها نشان داد که مردان مطلقه در مقایسه با مردان متأهل هیجان خواهی بالاتری داشتند و همچنین مردانی که هیجان خواهی بالایی دارند بیشتر به سمت مواد مخدر، مشروبات الکلی، تصادفات ناشی از بی دقتی، خیانت به همسر، ایجاد روابط جنسی نامشروع کشیده می شوند. کرمانی مامازندی و دانش (۱۳۹۰) در پژوهشی تاثیر نگرش مذهبی و هیجان خواهی را بر سازگاری زناشویی دبیران متاهل شهرستان پاکدشت مورد بررسی قرار دادند و نتایج نشان داد که نگرش مذهبی و هیجان خواهی تأثیر تعاملی بر سازگاری زناشویی دارند.

زرگر، نجاریان و نعمی (۱۳۸۷) در پژوهشی بر روی کارکنان یک واحد صنعتی در اهواز دریافتند کارکنانی که سازگاری زناشویی پایینی دارند، هیجان خواهی بالاتری دارند. کجباف و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی بر روی زوجین سازگار و ناسازگار دریافتند که بین هیجان خواهی و میزان سازگاری زناشویی رابطه منفی وجود دارد.

همچنین در یک مطالعه دیگر مصاحبی (۱۳۸۱) در مورد ارتباط بین شباهت در ویژگیهای شخصیتی زن و شوهر و سازگاری زناشویی به این نتیجه رسید که بین سازگاری زناشویی و تفاوت در پرخاشگری و هیجان خواهی همبستگی منفی نسبتاً بالایی وجود دارد. خداپناهی (۱۳۷۴) نقش هیجان خواهی را در تحکیم روابط زناشویی مطالعه کرده است. نتایج بدست آمده در این پژوهش نشان می دهد که بین نمرات هیجان خواهی زوج های سازگار همبستگی معناداری وجود دارد، بدین معنا که سطح هیجان خواهی زوج ها به عنوان عامل مهم در سازگاری زناشویی تلقی می گردد و نابرابری سطح هیجان خواهی می تواند به عنوان عامل بروز ناسازگاری در زندگی زناشویی به شمار آید.

از سوی دیگر یکی از متغیرهایی که خانواده را در حوزه های مختلف ارزیابی می کند و همچنین بر تعارضات زناشویی که به بروز طلاق منجر می گردد، عملکرد خانواده می باشد. در تعریف عملکرد خانواده گفته می شود که عملکرد خانواده، تلاش مشترکی برای برقراری و حفظ تعادل در خانواده است (ثنایی، ۱۳۷۹؛ به نقل از سودانی، مهرابی زاده هنرمند و سلطانی، ۱۳۹۱). همچنین عملکرد خانواده به

<sup>۱</sup>. Schultz

توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل کردن تعارض ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده اطلاق می شود (پورتس و هاوول<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲؛ به نقل از مجرد کاهانی و قنبری هاشم آبادی، ۱۳۹۰). دی پاول<sup>۲</sup> (۲۰۰۶؛ به نقل از نصر اصفهانی، اعتمادی و شفیع آبادی، ۱۳۹۱) نیز برخی از ویژگی های خانواده دارای عملکرد مطلوب را اینگونه عنوان می کند: تعامل ارتباطی باز، کنترل و مهار فشارهای روحی و روانی به طور موثر، همدلی، رهبری، ابراز محبت و علاقه و مسئولیت پذیری شخصی. مدل مک مستر<sup>۳</sup> یک رویکرد تجربی برای ارزیابی عملکرد خانواده است که خصوصیات ساختاری و رفتاری خانواده را نشان می دهد (کیت نر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶؛ به نقل از زاده محمدی و ملک خسروی، ۱۳۸۵). این رویکرد عملکرد خانواده و الگوهای تبدلی مهم بین اعضای خانواده را در هفت حوزه شامل حل مسئله، ارتباط، نقش ها، پاسخگویی عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی مورد ارزیابی قرار می دهد (زاده محمدی و ملک خسروی، ۱۳۸۵). عملکرد مطلوب خانواده مفهومی است که تاثیر مستقیمی بر نیازها، اهداف، رضایتمندی از زندگی و روابط عاطفی خانواده داشته (میلر، رایان، کیتنر، بیشاپ و اپستین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰) و بر عواملی چون ساختار، نقش، ارتباط ادراک و پویایی های شخصیت همسران بر عملکرد خانواده تاثیر مستقیمی دارد (والش<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). بررسی های انجام شده در زوجین ناسازگار حاکی از عملکرد پایین خانواده می باشد. پژوهش ها نشان داده اند که عملکرد خانواده در ایجاد تعارضات زناشویی موثر است. همچنین شواهد نشان داده است که کیفیت روابط خانوادگی در خانواده های طلاق و غیر طلاق متفاوت است، به طوری که در خانواده های طلاق تعارضات زناشویی یکی از عوامل طلاق است (لیندزی، کلول، فرابوت و مک کینون- لويس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). در پژوهشی بر روی ۱۳۳۵ زن و مرد اماراتی که توسط متخصصین دانشگاه یو آی ای<sup>۸</sup> (۲۰۱۰؛ به نقل از هنریان و یونسی، ۱۳۹۰) انجام شد، مهارت های ارتباطی ضعیف بین زن و مرد که منجر به ایجاد سوء تفاهم هایی بین همسران می شود به عنوان اصلی

1. Portes & Hovel

2. DePaul

3. McMaster

4. Keitner

5. Miller, Ryan, Keitner, Bishop & Epstein

6. Walsh

7. Lindsey, Colwell, Frabutt & McKinnon-Lewis

8. UAE

ترین علت طلاق شناخته شد. همچنین در این پژوهش مشخص شد که دلایل عمده طلاق انتظارات غیر واقع‌بینانه، عدم آگاهی زوجین از نقش‌های خود در رابطه زناشویی و لزومات یک زندگی مشترک و سوء رفتار می‌باشد. در بررسی دیگر بر روی ۱۶۵۰ استرالیایی مطلقه توسط ولکات و هاگز<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) از سری مطالعات انجمن خانواده استرالیا، مشکلات ارتباطی به خصوص کیفیت عاطفی ارتباط، ناهماهنگی، رفتارهای خشونت‌آمیز، خشونت عاطفی و کلامی و عدم بلوغ به عنوان علل طلاق طبقه‌بندی شدند.

در پژوهش‌های انجام شده توسط کلیک و پیرون<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) مهارت‌های ارتباطی ضعیف، ناسازگاری، مشکلات عاطفی و ویژگی‌های شخصیتی همسران به عنوان دلایل طلاق عنوان شد. ماتیس و کینگ لیتی<sup>۳</sup> (۱۹۸۵)؛ به نقل از بخشی‌پور، اسدی، کیانی، شیرعلی‌پور و احمد دوست، (۱۳۹۱) با بررسی ۷۳ زوج در حال طلاق پی بردند که شکست در رسیدن به راه حل علیرغم تعیین داور، به طور معناداری با عملکرد خانوادگی هرج و مرج گونه و بی‌قید رابطه دارد.

کریستنسن و شنگ<sup>۴</sup> (۱۹۹۱) در پژوهشی با عنوان ارتباط، تعارض و فاصله روان‌شناختی در زوج‌های مطلقه، دارای مشکلات زناشویی و بدون مشکل، با مقایسه سبک‌های ارتباطی سه گروه به این نتیجه دست یافتند که دو گروه نخست (مطلقه و با مشکلات زناشویی) کمتر از گروه سوم از توانایی برقراری ارتباط متقابل سازنده برخوردارند و همچنین بیش از گروه سوم از برقراری ارتباط اجتناب می‌کنند، از شیوه‌های ارتباطی اصرار و انصراف استفاده می‌کنند و در مورد فاصله روان‌شناختی دچار تعارض می‌گردند.

بهاری و صابری (۱۳۸۳) بین عملکرد خانواده زوج‌های در حال طلاق و زوج‌های غیر مطلقه (عادی) تفاوت معناداری وجود دارد، به این معنا که عملکرد خانوادگی زوج‌های در حال طلاق پایین‌تر از زوج‌های غیر مطلقه (عادی) است. همچنین بهاری (۱۳۷۹) نشان داد که زوج‌های در حال طلاق در سازه‌های سه‌گانه کارایی خانواده یعنی ابراز عواطف، نقش‌های خانوادگی و حل مشکلات نسبت به زوج‌های عادی عملکرد ضعیف‌تری دارند.

با توجه به اینکه خانواده و منظومه‌ی زن و شوهری به عنوان یک کل و نظام در نظر گرفته می‌شود، همه‌ی اعضای آن بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند (کار،<sup>۵</sup> ۲۰۰۶؛ جعفری، صدری و فتحی

<sup>1</sup>. Wolcott & Hughes

<sup>2</sup>. Cleek & Pearson

<sup>3</sup>. Mattis & King Littie

<sup>4</sup>. Christensen & Shenk

<sup>5</sup>. Car

اقدام، ۱۳۸۵)، بنابراین ضروری است که به بررسی چگونگی و نوع عملکرد خانواده (وندروالک، اسپروجت، گادی، میوس و ماس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴) و هیجان خواهی (زاکرمز، آیزنک<sup>۲</sup> و آیزنک، ۱۹۷۸) که در بروز تعارضات زناشویی که از مقدمات جدایی و طلاق هستند، پرداخته شود. علاوه بر آن، طلاق و تعارض زناشویی تنش‌زا هستند و ممکن است به افزایش استرس و کاهش بهزیستی منجر شوند (وندروالک و همکاران، ۲۰۰۴). با توجه به موارد ذکر شده هدف این پژوهش مقایسه هیجان خواهی و عملکرد خانواده در افراد مطلقه، در حین طلاق و عادی است.

## روش

**جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری:** این پژوهش از نوع علی-مقایسه ای یا پس از وقوع است. جامعه آماری این پژوهش شامل سه گروه از افراد مطلقه، در حین طلاق و عادی ساکن استان تهران بود. نمونه پژوهش شامل ۱۳۵۳ نفر از افراد مطلقه، در حین طلاق و عادی است که ابتدا افراد طلاق گرفته و در حین طلاق با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی به تعداد ۸۵۳ نفر با مراجعه به دادگاههای مختلف شهرستانهای تهران، کرج، رباط کریم و دماوند با اخذ مجوز رسمی از نهاد خانواده ریاست جمهوری (به ترتیب با حجم ۴۰۳ و ۲۵۰ و ۱۰۰ و ۱۰۰ نفر از شهرستانهای مذکور) انتخاب شد. حجم نمونه با توجه به وجود پرونده‌های فراوان در دادگستری استان تهران به نسبت حجم جامعه آماری انتخاب شد. سپس نمونه دیگر (افراد عادی) به تعداد ۵۰۰ نفر (با حجم ۳۰۰ و ۱۰۰ و ۵۰ و ۵۰ به ترتیب از شهرستانهای فوق) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان گروه گواه انتخاب شدند. آزمودنی‌های گروه گواه از نظر سطح تحصیلی، سن و مدت ازدواج با گروه‌های مطلقه و در حین طلاق همتا شدند و شرط ورود اصلی به درون گروه به غیر از شرایط همتا سازی، عدم وجود مشکلات اساسی خانوادگی در درون خانواده با تایید خود آزمودنی‌ها بود. افراد مطلقه و در حین طلاق در این پژوهش از طریق مراجعه به پرونده‌های آنان در دادگاه‌ها شناسایی شدند، بدین طریق که پرونده افراد مطلقه مختومه و پرونده افراد در حین طلاق در دست بررسی بود. پرسشنامه‌های این پژوهش با همکاری ۱۰ آزمونگر اجرا گردید و بدین ترتیب بود که ابتدا هدف تحقیق برای آزمودنی‌ها بیان شد و سپس پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار آن‌ها قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد نظر خود را به دقت بیان کنند. همچنین

اطمینان بخشی در مورد محرمانه بودن اطلاعات و آزادی برای شرکت در پژوهش از نکات اخلاقی رعایت شده این پژوهش بود.

**ابزار گردآوری داده‌ها:** ۱- مقیاس هیجان خواهی آرنِت<sup>۱</sup>: این مقیاس توسط آرنِت در سال ۱۹۹۳ ساخته شده است دارای ۲۰ ماده می باشد که شامل ۲ خرده مقیاس تازگی و شدت می باشد. سوالات مربوط به این دو خرده مقیاس عبارتند از: سوالات مربوط به شدت ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸ و ۲۰ و سوالات مربوط به تازگی ۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹ و شیوه نمره گذاری این مقیاس به صورت بسیار خوب مرا توصیف می کند، تاحدی مرا توصیف می کند، مرا خوب توصیف نمی کند و اصلا مرا توصیف نمی کند، می باشد. همچنین شش آیتم به صورت منفی بیان شده است تا از خطای تایید اجتناب شود. پایایی درونی کل مقیاس توسط آرنِت (۱۹۹۳) ۰/۷۰ خرده مقیاس شدت ۰/۶۴ و خرده مقیاس تازگی ۰/۵۰ گزارش شده است. پوروفایی (۱۳۷۶)؛ به نقل از نجاریان، زرگر، مهرابی زاده هنرمند و حقیقی، (۱۳۸۲) پایایی این مقیاس را ۰/۶۵ گزارش کرده است.

۲- مقیاس ابزار سنجش عملکرد خانواده<sup>۲</sup> (FAD): این پرسشنامه برای سنجش عملکرد خانواده، توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاپ<sup>۳</sup> (۱۹۸۳)؛ به نقل از اصلاتی، صیادی و امان‌الهی، (۱۳۹۱) بر اساس الگوی مک مستر تدوین شده که ۶۰ گویه دارد (ثنایی، ۱۳۷۹)؛ به نقل از سودانی و همکاران، (۱۳۹۱). حل مسئله، ارتباط، نقش ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار، خرده مقیاس های آزمون را تشکیل و یک ارزیابی از عملکرد کلی نیز بدست می دهند (کیت نر، ۱۹۹۶)؛ به نقل از زاده محمدی و ملک خسروی، (۱۳۸۵). پاسخ گویه ها به صورت کاملا موافقم، موافقم، مخالفم و کاملا مخالفم در نظر گرفته شده اند. در مطالعه سالاری، شاملو، هومن و پورشهباز (۱۳۸۱) همسانی درونی این نسخه با استفاده از آلفای کرونباخ و اعتبار با آزمایی بین ۰/۵۸ تا ۰/۸۵ و اعتبار با آزمایی آن بین ۰/۴۲ تا ۰/۷۸ است و همبستگی مقیاس ها با یکدیگر بین ۰/۴۰ تا ۰/۷۱ می باشد که تقریباً با نتایج مربوط به فرم اصلی آن همسان بوده است. بین خرده مقیاس های آزمون، آلفای ۰/۵۱ تا ۰/۹۴ و بین تمام خرده مقیاس ها و عملکرد کلی، همبستگی ۰/۴۷ تا ۰/۹۷ بدست آمد (زاده محمدی و ملک خسروی، ۱۳۸۵).

## یافته‌ها

چنانکه در بخش قبلی گفته شد، در این پژوهش ۴۵۱ نفر از افراد مطلقه، ۴۰۲ نفر در حین طلاق و ۵۰۰ نفر عادی شرکت کردند. دامنه‌ی سنی آزمودنی‌ها نیز بین ۱۶ تا ۶۵ سال است. همچنین ۵۳/۶۹ درصد از

<sup>۱</sup>. Arnett's sensation seeking scale

<sup>۲</sup>. Family Functioning Assessment

<sup>۳</sup>. Baldwin & Bishop



آزمودنی‌ها مونث، ۴۶/۳۱ درصد مذکر بودند. در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی و سپس یافته‌های مربوط به سوال پژوهش ارایه می‌گردد و منظور آزمون سوال پژوهش از آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA)، جهت مقایسه‌ی میانگین‌های متغیرهای وابسته استفاده شد.

### جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای هیجان خواهی و کارکرد خانواده در افراد مطلقه، حین طلاق و عادی

متغیر	مطلقه		در حین طلاق		عادی	
	SD	M	SD	M	SD	M
شدت	۵/۵۸	۲۳/۵۹	۴/۸۲	۲۳/۶۸	۵/۷۴	۲۱/۴۹
تازگی	۵/۰۹	۲۷/۷۵	۴/۳۷	۲۸/۵۳	۶/۱۹	۲۵/۶۷
هیجان خواهی	۱۱/۳۶	۵۱/۳۳	۸/۰۵	۵۲/۲۲	۹/۷۵	۴۷/۱۶
ارتباط موثر	۳/۵۲	۱۶/۶۷	۳/۸۸	۱۷/۴۷	۴/۶۲	۱۹/۱۹
حل مشکل	۳/۳۱	۱۴/۶۷	۳/۱۶	۱۵/۲۹	۳/۴۲	۱۵/۶۹
نقش‌ها	۳/۱۴	۱۷/۵۹	۴/۳۸	۱۷/۶۵	۵/۸۱	۱۹/۵۲
همراهی عاطفی	۲/۱۸	۱۶/۳۱	۳/۴۴	۱۵/۸۹	۴/۵۱	۱۶/۶۵
آمیزش عاطفی	۳/۱۵	۱۷/۹۹	۳/۸۹	۱۸/۵۸	۵/۵۰	۱۸/۶۷
کنترل رفتار	۳/۸۳	۱۹/۸۸	۴/۷۲	۲۰/۲۸	۶/۵۴	۲۲/۹۴
عملکرد کلی	۴/۱۶	۲۶/۳۳	۶/۷۴	۲۷/۱۶	۹/۳۸	۳۲/۸۹

بر اساس جدول ۲، اثر گروه بر ترکیب خطی متغیرهای وابسته معنادار است ( $P < ۰/۰۰۰۱$ ) و  $P = ۰/۷۱۴$  لامبدای ویلکز). به عبارت دیگر، بین افراد مطلقه، در حین طلاق و عادی حداقل در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد.

### جدول ۲. نتایج آزمون‌های معناداری MANOVA برای اثر اصلی متغیرهای وابسته

آزمون	ارزش	F	P
اثر پیلایی	۰/۲۹۴	۲۸/۹۵۸	۰/۰۰۰
لامبدای ویلکز	۰/۷۱۴	۳۰/۷۹۱	۰/۰۰۰
اثر هتلینگ	۰/۳۸۹	۳۲/۶۳۹	۰/۰۰۰
بزرگترین ریشه روی	۰/۳۵۷	۶۰/۰۴۷	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول شماره ۲ دیده می‌شود متغیرهای هیجان خواهی و کارکرد خانواده در افراد مطلقه، در حین طلاق و عادی مورد مقایسه قرار گرفته است.  $F$  به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین نمرات

گروهها در همه متغیرها معنی دار می‌باشد ( $p < 0/01$ ). به عبارت دیگر با نگاهی به میانگین‌های گروه‌ها نتایج حاکی از آن است که هیجان‌خواهی در افراد مطلقه و در حین طلاق بیشتر از افراد عادی است. همچنین بین میانگین کارکرد خانواده در گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد، به این معنا که افراد مطلقه و در حین طلاق کارکرد مختل تری دارند.

### جدول ۳. مقایسه میانگین نمرات سه گروه از والدین (مطلقه، در حین طلاق و بهنجار) در متغیر هیجان‌خواهی و کارکرد خانواده

متغیرها	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	p	مجدور اتا	توان آماري
شدت	۱۴۴۲/۶۳۶	۲	۷۲۱/۳۱۸	۲۴/۴۶۵	۰/۰۰۰	۰/۰۳۵	۱
تازگی	۲۰۲۶/۶۳۴	۲	۱۰۱۳/۳۱۷	۳۵/۵۳۸	۰/۰۰۰	۰/۰۵۰	۱
هیجان‌خواهی	۶۸۰۴/۶۸۶	۲	۳۴۰۲/۳۴۳	۳۴/۴۵۷	۰/۰۰۰	۰/۰۴۹	۱
ارتباط موثر	۱۴۶۶/۹۳۳	۲	۷۳۳/۴۶۷	۴۴/۴۴۵	۰/۰۰۰	۰/۰۶۲	۱
حل مشکل	۲۵۲/۰۹۴	۲	۱۲۶/۰۴۷	۱۱/۵۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۷	۰/۹۹۴
نقش‌ها	۱۱۳۹/۲۵	۲	۵۶۹/۶۲۵	۲۶/۵۲۹	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸	۱
همراهی - عاطفی	۱۲۷/۸۵۱	۲	۶۳/۹۲۶	۵/۰۵۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷	۰/۸۱۹
آمیزش - عاطفی	۱۲۴/۷۸۷	۲	۶۲/۳۹۳	۲/۲۸۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۶۲۴
کنترل رفتار	۲۶۳۷/۷۹۵	۲	۱۳۱۸/۸۹۸	۴۸/۲۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۶۷	۱
عملکرد کلی	۱۲۱۴۰/۰۲۸	۲	۶۰۷۰/۰۱۴	۱۱۷/۰۷۳	۰/۰۰۰	۰/۱۴۸	۱

جدول ۴. نتایج آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه گروه‌ها بر اساس شاخص‌های تفاوت میانگین‌ها و سطح معناداری

متغیر	گروه	۱	۲	۳	متغیر	گروه	۱	۲	۳
شدت	۱-مطلقه	-	-۰/۰۹	۲/۰۹***	نقش	۱-مطلقه	-	-۰/۰۵	۰/۹۲**
	۲-در حین طلاق	۰/۰۹	-	۲/۱۹***		۲-در حین طلاق	۰/۰۵	-	۸۷***
	۳-عادی	-۲/۰۹***	-۲/۱۹***	-		۳-عادی	۱/۹۲***	۱/۸۷***	-
تازگی	۱-مطلقه	-	-۰/۷۹	۲/۰۸***	همراهی عاطفی	۱-مطلقه	-	۰/۴۲	-۰/۳۳
	۲-در حین طلاق	۰/۷۹	-	۲/۸۷***		۲-در حین طلاق	-۰/۴۲	-	۰/۷۶**
	۳-عادی	-۲/۰۸***	-۲/۸۷***	-		۳-عادی	۰/۳۳	۰/۷۶**	-
هیجان خواهی	۱-مطلقه	-	-۰/۸۸	۴/۱۷***	آمیزش عاطفی	۱-مطلقه	-	-۰/۵۸	-۰/۶۹*
	۲-در حین طلاق	۰/۸۸	-	۵/۰۶***		۲-در حین طلاق	۰/۵۸	-	-۰/۰۹
	۳-عادی	-۴/۱۷***	-۵/۰۶***	-		۳-عادی	۰/۶۹*	۰/۰۹	-
ارتباط موثر	۱-مطلقه	-	-۰/۷۹*	-۲/۴۳***	کنترل رفتار	۱-مطلقه	-	-۰/۳۹	۰/۶***
	۲-در حین طلاق	۰/۷۹*	-	-۱/۶۴***		۲-در حین طلاق	۰/۳۹	-	۶۷***
	۳-عادی	-۲/۴۳***	۱/۶۴***	-		۳-عادی	۳/۰۶***	۲/۶۷***	-
حل-مشکل	۱-مطلقه	-	-۰/۶۳*	-۱/۰۳***	عملکرد کلی	۱-مطلقه	-	-۰/۸۳	۵/۶***
	۲-در حین طلاق	۰/۶۳*	-	-۰/۴۰		۲-در حین طلاق	۰/۸۳	-	۷۳***
	۳-عادی	-۱/۰۳***	۰/۴۰	-		۳-عادی	۶/۵۶***	۵/۷۳***	-

\* $p < 0/05$  \*\* $p < 0/01$  \*\*\* $p < 0/001$

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات گروه‌های مطلقه و در حین طلاق در مقایسه با گروه عادی در شدت، تازگی، هیجان خواهی بالاتر و در ارتباط موثر، نقش، کنترل رفتار و عملکرد کلی

دارای نمرات پایین‌تری هستند. اما بین گروه مطلقه و در حین طلاق تفاوت معناداری مشاهده نشد. همچنین در مولفه حل مشکل گروه مطلقه از گروه در حین طلاق و عادی دارای میانگین کمتری است. در مولفه همراهی عاطفی میانگین گروه در حین طلاق از گروه عادی و در مولفه آمیزش عاطفی میانگین گروه مطلقه از گروه عادی کمتر است.

### نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه هیجان‌خواهی و عملکرد خانواده در سه گروه مطلقه، در حین طلاق و عادی بود. نتایج پژوهش نشان داد که میزان شدت، تازگی و هیجان‌خواهی گروه مطلقه و در حین طلاق از گروه عادی بیشتر است، اما بین گروه مطلقه و در حین طلاق تفاوت معناداری مشاهده نشد. این یافته با نتایج یافته‌های کجباف و همکاران (۱۳۸۴)، زرگر و همکاران (۱۳۸۷) و حبیبی و رجبی (۱۳۹۰) مبنی بر بالا بودن میزان هیجان‌خواهی در افرادی که از همسران خود جدا شده‌اند، همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که هیجان‌خواهی بالا موجب تعارض‌هایی از قبیل استفاده از اوقات فراغت، انتخاب دوستان، برنامه‌های مسافرتی، علاقه‌مندی‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی در زوجین می‌گردد. در واقع می‌توان گفت افرادی که طلاق را تجربه نموده‌اند به دلیل وجود این تعارضات که خاص افراد هیجان‌خواه می‌باشد، موجب بروز نارضایتی در زندگی و عدم سازگاری با همسران خود و در نتیجه تجربه طلاق می‌شود. همچنین افرادی که دارای هیجان‌خواهی بالایی می‌باشند بیشتر به سمت مواد مخدر، مشروبات الکلی، تصادفات ناشی از بی‌دقتی، خیانت به همسر، ایجاد روابط جنسی نامشروع و ... کشیده می‌شوند (بانکروف، جانسن، استرانگ و کارنزا، ۲۰۰۳). بنابراین به نظر می‌رسد هیجان‌خواهی همان گونه که بانکروف و همکاران (۲۰۰۳) تصریح می‌کنند، از یک طرف خطر پذیری در جهت کسب لذت را افزایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که آن‌ها در جهت کسب لذت و رفع یکنواختی مشروب یا مواد مصرف می‌کنند یا سایر رفتارهای پرخطر را انجام می‌دهند و از طرف دیگر، آن‌ها خطرات و پیامدهای منفی گرایش به این گونه رفتارها را برای خود کم و ناچیز و خیلی پایین‌تر از میزان واقعی آن ارزیابی می‌کنند؛ مثلاً آنها به رغم مصرف گهگاهی مشروب یا مواد مخدر یا درگیر شدن در رفتارهای پرخطر جنسی، پیامدها و خطرات آن را برای خود ناچیز قلمداد کرده و با افکاری غیر منطقی نظیر "با مصرف تفریحی که معتاد نمی‌شوم" خود را در قبال این خطرات قوی و مصون می‌پندارند که تمام این ویژگی‌ها می‌تواند به عنوان دلایل فروپاشی خانواده، طلاق و ایجاد معضلات اجتماعی باشد، که این نتایج با نتایج پژوهش‌های حبیبی و رجبی (۱۳۹۰) و حسینی (۱۳۸۹) همخوانی دارد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عملکرد خانواده در افراد مطلقه در مولفه های ارتباط موثر، حل مشکل، نقش ها، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی نسبت به افراد عادی مختل تر است، اما در مولفه همراهی عاطفی تفاوت معناداری نشان ندادند. این نتیجه با نتایج دیگر پژوهش های کلیک و پیرسون (۱۹۸۵) و کریستنسن و شنگ (۱۹۹۱) مبنی بر این که ارتباط ضعیف و مشکلات عاطفی در ناسازگاری زوجین و طلاق دخیل است همخوانی دارد. در تبیین این یافته می توان گفت که خانواده یک سیستم است که اعضای آن صمیمانه با هم ارتباط دارند، دارای گذشته مشترک هستند، در عقاید و ارزش های خاص با هم سهیم اند، نقش های ویژه ای بر عهده دارند و به شیوه ی پیش بینی شونده با یکدیگر تعامل دارند و اگر در قسمتی از این سیستم اتفاقی بیافتد، بر بقیه سیستم هم اثر می گذارد. ارتباط ناموثر منجر به ایجاد سوء تفاهم هایی بین همسران می شود که می توان از آن به عنوان اصلی ترین علت طلاق نام برد (به نقل از هنریان و یونسی، ۱۳۹۰).

همچنین دیگر یافته ها نشان داد که مولفه های عملکرد خانواده نظیر ارتباط موثر، نقش، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی در زوجین در حین طلاق از عملکرد زوجین غیر مطلقه (عادی) پایین تر است اما در مولفه حل مشکل و آمیزش عاطفی تفاوت معناداری نشان ندادند. این نتیجه با نتایج پژوهش های بهاری (۱۳۷۹)، بهاری و صابری (۱۳۸۳) و ماتیس و کینگ لیتی (۱۹۸۵)؛ به نقل از بخشی پور و همکاران، (۱۳۹۱) همخوانی دارد. در تبیین احتمالی یافته های این پژوهش می توان گفت عملکرد کارساز خانواده با توانایی اعضا در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده همراه است (کدیور، اسلامی و فراهانی، ۱۳۸۳). از این رو می توان گفت که هر قدر زوج ها کارآمدتر عمل کنند، رابطه بهتر و منسجم تری را تجربه خواهند کرد که این امر خود تعارض های زناشویی را که خود ممکن است به طلاق بیانجامد کم می کند. تعارض زمانی بوجود می آید که زوج ها به دلیل همکاری و تصمیمات مشترکی که می گیرند درجات مختلفی از استقلال و همبستگی را نشان می دهند. به میزانی که زوج ها در هر یک از ابعاد عملکرد خانواده شامل حل مسئله، ارتباط، نقش ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار موفق عمل کنند، از همبستگی بیشتری در نظام زن و شوهری برخوردار می شوند و به تبع آن از تعارضات زناشویی آنها به طور کلی و در هر یک از سازه های تعارض زناشویی یعنی جدا کردن امور مالی، افزایش رابطه با خویشاوندان خود، کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی و افزایش جلب حمایت فرزندان کاسته می شود (آسوده، خلیلی، دانش پور و

لواسانی، ۲۰۱۰). در تبیین احتمالی دیگر از نتایج این پژوهش، می‌توان گفت که عملکرد خانواده نشان دهنده مهارت سازشی خانواده است که به تحول و ایفای آن منجر می‌گردد و ابعاد عملکرد خانواده نشان می‌دهد که وضعیت مطلوب خانواده از نظر حل مسأله، ارتباط، نقش‌ها، واکنش‌های عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار می‌باشد؛ برای همین خانواده‌هایی که دارای سطح مطلوبی از این ابعاد هستند، کارایی بالاتری دارند (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰). در پایان باید ذکر نمود جامعه آماری پژوهش حاضر مردان و زنان استان تهران بودند. این مسأله محدودیت‌هایی را در تعمیم یافته‌ها به وجود می‌آورد، بنابراین باید در تعمیم آن به جامعه‌های دیگر احتیاط نمود و توصیه می‌شود پژوهش‌های مشابهی در سایر مناطق کشور انجام گیرد تا بتوان در مورد تعمیم یافته‌های این پژوهش تصمیم‌گیری بهتری نمود. نظر به اینکه هیجان‌خواهی به عنوان یک عامل زیر بنایی شخصیتی در تناسب زوجین موثر است و حتی بالا بودن آن می‌تواند سبب عدم پیروی زوجین از هنجارهای مورد قبول خانواده شود، از این نظر در عرصه انتخاب همسر و نیز مدیریت میزان بالای هیجان‌خواهی و ارزیابی تناسب و عدم تناسب زوجین می‌تواند کاربرد داشته باشد. ضمناً نظارت بر میزان هیجان‌خواهی والدین و کنترل آن توسط هر یک از والدین به عنوان عامل مهم برای گذران اوقات فراغت، کنترل خشم، تنظیم فرآیند حل مسئله و همچنین حل و فصل تعارض‌ها موثر خواهد بود. همچنین پیشنهاد می‌شود مسئولان امر، توجه به تجانس رگه‌های شخصیتی بخصوص هیجان‌خواهی، آموزش مهارت‌های زندگی و تشکیل کارگاه‌های آموزشی برای زوجین در قبل از ازدواج که می‌تواند عامل کمک‌کننده برای پیشگیری از طلاق و مشکلات بعد از آن باشد را بیش از پیش در نظر بگیرند.

### سپاس و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند، از زحمات بی‌دریغ سرکار خانم دکتر طیب زاده مسئول محترم مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و همه دست‌اندرکاران مربوطه، بویژه از زحمات خانم نظری که با حوصله و دقت نظر ما را یاری کردند و همچنین از تمام آزمونگرها و آزمودنی‌هایی که در انجام این پژوهش همکاری داشتند، نهایت سپاس و قدردانی را داشته باشند.

## منابع

- اصلانی، خالد؛ صیادی، علی و امان الهی، عباس. (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های دلبستگی با کارکرد خانواده و سلامت عمومی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲(۲)، ۱۶۳-۱۷۷.
- بخش‌پور، باب‌الله؛ اسدی، مسعود؛ کیانی، احمدرضا؛ شیرعلی‌پور، اصغر و احمد دوست، حسین. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه‌ی طلاق. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۳(۲)، ۱۰-۱۹.
- بهراری، فرشاد. (۱۳۷۹). *ارزیابی و مقایسه کارآیی خانواده بین زوج‌های غیر طلاق و زوج‌های در حال طلاق* مرجوعی به بخش روانپزشکی سازمان پزشکی قانونی کشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- بهراری، فرشاد و صابری، سید مهدی. (۱۳۸۳). مقایسه عملکرد خانوادگی زوج‌های در حال طلاق ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی و زوج‌های غیر مطلقه. *مجله علمی پزشکی قانونی*، ۱۰(۳۴)، ۷۵-۷۹.
- سودانی، منصور؛ مهرایی‌زاده هنرمند، مهناز و سلطانی، زیبا. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر افزایش عملکرد زوج‌های ناسازگار. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲(۳)، ۲۶۸-۲۸۷.
- جعفری، اصغر؛ صدری، جمشید و فتحی اقدم، قربان. (۱۳۸۵). رابطه‌ی بین کارایی خانواده و دینداری و سلامت روان و مقایسه‌ی آن بین دانشجویان دختر و پسر. *مجله‌ی تازه‌ها و پژوهش‌ها*، ۶(۲۲)، ۱۰۷-۱۱۶.
- حبیبی، یعقوب و رجبی، سعید. (۱۳۹۰). مقایسه هیجان خواهی و نگرش مذهبی در مردان مطلقه و متأهل. *فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی*، ۱(۲)، ۲۵-۴۲.
- حسینی، سید حمید. (۱۳۸۹). بررسی رابطه هیجان خواهی با نگرش به مصرف مواد مخدر در دانش‌آموزان. *فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی*، ۳(۵)، ۴-۱۱.
- حصاری، علی. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت ازدواج و طلاق در کشور طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۵. *هفته‌نامه برنامه*، ۲۸۸(۷)، ۹-۱۴.
- خداپناهی، کریم. (۱۳۷۴). بررسی نقش تهییج طلبی در تحکیم روابط زناشویی. رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.

- زاده محمدی، علی و ملک خسروی، غفار. (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی و اعتبار-یابی مقیاس سنجش عملکرد خانواده (FAD). *مجله خانواده‌پژوهی*، ۵، ۶۹-۸۹.
- زرگر، یدالله؛ نجاریان، بهمن و نعیمی، عبدالزهره. (۱۳۸۷). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، نگرش مذهبی و رضایت زناشویی با آمادگی اعتیاد به مواد مخدر در کارکنان یک واحد صنعتی شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، (۱)، ۱۵۳-۱۷۸.
- سالاری، راضیه السادات؛ شاملو، سعید؛ هومن، حیدر علی و پورشهباز، عباس. (۱۳۸۱). *مقایسه‌ی کارکرد خانواده در نوجوانان افسرده و بهنجار*. تهران، اولین کنگره‌ی سراسری روان‌شناسی ایران.
- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی. (۲۰۰۵). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۰). تهران، انتشارات ویرایش.
- غفوری، ورنوفاذرانی؛ گل پرور، محسن و مهدی زادگان، ایران. (۱۳۸۸). سبک‌های دلبستگی و نگرش مذهبی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۲(۷)، ۱۴۳-۱۵۳.
- کدیور، پروین؛ اسلامی، عبدالله و فراهانی، محمد نقی. (۱۳۸۳). بررسی رابطه‌ی ساختار تعاملات خانواده (عملکرد خانواده) با سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و تفاوت‌های جنسی در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۲(۲)، ۹۷-۱۲۳.
- کرمانی مامازندی، زهرا و دانش، عصمت. (۱۳۹۰). تأثیر نگرش مذهبی و هیجان‌خواهی بر سازگاری زناشویی دبیران متأهل شهرستان پاکدشت. *مطالعات روان‌شناختی*، ۷(۲)، ۱۲۹-۱۵۴.
- کجباف، محمد باقر؛ نشاط دوست، حمید طاهر و خالویی، قاسم. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی. *مجله دانش و رفتار، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۱۰(۱۲)، ۶۹-۷۸.
- مجرد کاهانی، امیرحسین و قنبری هاشم آبادی، بهرام‌علی. (۱۳۹۰). ارزیابی اثربخشی مداخلات آموزشی روانی گروهی بر عملکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلالات خلقی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱(۳)، ۳۹۹-۴۱۲.
- معی‌الدین بناب، مهدی. (۱۳۷۵). *روان‌شناسی انگیزش و هیجان*. تهران: انتشارات دانا.
- مصاحبی، محمد رضا. (۱۳۸۱). ارتباط بین شباهت در ویژگی‌های شخصیتی زن و شوهر و رضایت از زندگی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، ۱۲، ۱۱۷-۱۳۴.



نجاریان، بهمن؛ زرگر، یدالله؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز و حقیقی، جمال. (۱۳۸۲). بررسی همه گیر شناسی مصرف سیگار در کارکنان ادارات دولتی اهواز و مقایسه اثربخشی روشهای رفتاری، رفتاری-آموزشی و رفتاری-دارویی در ترک سیگار با کنترل سن، مدت زمان مصرف و هیجان خواهی. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، ۱۰(۲)، ۱-۲۴.

نصراصفهانی، نرگس؛ اعتمادی، احمد و شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش معنا-محور بر عملکرد خانواده زنان متأهل. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۲(۲)، ۲۰۱-۲۲۱. هنریان، مسعوده و یونسی، سید جلال. (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاههای خانواده تهران. *فصلنامه مطالعات روان شناسی بالینی*، ۱(۳)، ۱۲۵-۱۵۳.

یوسفی، ناصر و سهرابی، احمد. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی رویکردهای خانواده درمانی مبتنی بر حضور ذهن و فراشناخت بر کیفیت روابط زناشویی در مراجعان در آستانه طلاق. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۱(۲)، ۱۹۲-۲۱۱.

Arnett, J. J. (1993). Socialization and adolescent reckless behavior: A reply to Josser. *Journal Developmental Review*, 12, 391-409.

Asoode. M. H., Khalili, S., Daneshpour, M., & Lavasani, M. (2010). Factors of successful marriage: Accounts from self-described happy Couples. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 2042-2046.

Bancroft, J., Janssen, E., Strong, D., & Carnes. L. (2003). Sexual Risk-Taking in Gay Men: The Relevance of Sexual Arousability, Mood, and Sensation Seeking. *Archives of Sexual Behavior*, 32(6), 555.

Car, A. (2006). *Family therapy: concepts, process and practice*. New York: John Wiley.

Cleek, M. & Pearson, T. (1985). Perceived cause divorce: an analysis of interrelationships. *Journal of Marriage and the Family*, 179-183.

Christensen, A., & Shenk, J. L. (1991). Communication, conflict and psychological distance in no distressed, clinic, and divorcing couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 59, 458-463.

Lindsey, E. W., Colwell, M. G., Frabutt, G. M., & MacKinnon-Lewis, C. (2006). Family conflict in divorced and nondivorced families: Potential consequences for boys' friendship status and friendship quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 23(1), 45-63.

Miller, L. W., Ryan, C. E., Keitner, G. I., Bishop, D. S. & Epstein, N. B. (2000). The McMaster approach to families: Theory assessment, treatment and research. *Journal of Family Therapy*, 22, 168-189.

- Vandervalk, I., Spruijt, E. D., Goede, M.D., Meeus, W., & Maas, C. (2004). Marital Status, Marital Process, and Parental Resources in Predicting Adolescents' Emotional Adjustment: A Multilevel Analysis. *Journal of family issues*, 25(3), 291-317.
- Walsh, F. (2003). Family resilience: A framework for clinical practice. *Journal Family Process*, 42(1), 1-19.
- Wolcott, I., & Hughes, J. (1999). Towards understanding the reasons for divorce. Working Paper No. 20. Melbourne: Australian Institute of Family Studies.
- Zuckerman, M. (1997). Behavioral expressions and biosocial bases of sensation seeking. Cambridge University Press, Cambridge; New York.
- Zuckerman, M., Eysenck, H. J., & Eysenck, S. B. G. (1978). Sensation seeking in England and American: Cross cultural, age and sex comparisons. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 65, 757-768.